

چشم‌اندازهای اشتغال برای فارغ‌التحصیلان جغرافیا

مفاهیم حقوقی - قانونی اصطلاحات علمی جغرافیا

بسیاری از اصطلاحات جغرافیایی بار حقوقی و قانونی ویژه‌ای دارند. اگر دانشجویان جغرافیا بر مفاهیم حقوقی و قانونی اصطلاحات جغرافیایی مسلط شوند، می‌توانند به عنوان یک کارشناس حقوقی جغرافیا و یا کارشناس رسمی دادگستری یا کارشناس حقوق بین‌الملل در زمینه‌های جغرافیایی یا حقوق شهری انجام وظیفه نمایند. مثلاً وقتی کلمه دریا یا دریاچه یا رودخانه را بکار می‌بریم، هر کدام از این کلمات در حقوق ملی و بین‌المللی تعاریف و ضوابط ویژه‌ای دارند. تخصص مفاهیم حقوقی - قانونی اصطلاحات جغرافیایی عملاً از دست جغرافیدانان خارج شده است و فارغ‌التحصیلان دیگر رشته‌ها در این زمینه به تخصص رسیده‌اند.

نگارنده در این شماره به چند اصطلاح اشاره گذرا و غیر حقوقی می‌کند. امید است این بحث توسط جغرافیدانان و حقوقدانان به طور مستند و با توجه به قوانین موجود بین‌المللی و ملی ادامه یابد. نگارنده در حدود ده سال پیش به کمیته برنامه‌ریزی جغرافیا پیشنهاد درس جغرافیا و حقوق و قانون را داده بودم. هنوز هم معتقدم که باید دانشجویان را در زمینه مفاهیم حقوقی و قانونی اصطلاحات جغرافیایی آموزش بدهیم و این حوزه کاری را خود در دست بگیریم. این حوزه کاری چشم‌انداز بزرگی را برای اشتغال جوانان ما ایجاد می‌کند.

به چند اصطلاح جغرافیایی در این شماره اشاره می‌شود، امید است که با کمک جغرافیدانان حقوق‌دان و قانون‌دان (حقوق بین‌الملل، حقوق سیاسی و ...) و پژوهشگر بار حقوقی و قانونی کلمات و اصطلاحات که در این شماره بکار می‌رود روشن شود.

اصطلاحات آبی (جریان آب)

۱. شط: از بهم پیوستن چند رودخانه به وجود می‌آید. مثل شط اروند رود، شط نیل، شط آموزن. به نظر می‌رسد که در ایران فقط در محدوده اروندرود شط داریم و حتی بکارگیری کلمه شط برای رود کارون جنبه قانونی نداشته باشد. چه قوانین حقوقی و قانونی برای شط‌ها وجود دارد، حریم آنها باید چقدر باشد، خط تالوگ و خط‌القدر آنها چگونه باید محاسبه شود و قانون در این باره چه می‌گوید. قوانین کشتیرانی و راهنمایی کشتی‌ها و ماهیگیری در شط‌ها چیست؟ این قوانین همه وجود دارد. منابع و کتاب‌ها و مقالات درباره آنها موجود است. امید است همکاران مقاله‌ای تحقیقی در این باب برای فصلنامه ارسال دارند.

۲. رودخانه: آبراهه‌ای که همیشه آب در آن جریان دارد. آیا این تعریف درست است؟ قوانین بسیاری حول محور رودخانه وجود دارد. رودخانه‌های بین‌المللی مثل نیل، راین، دانوب نشأ قوانین بسیار هستند. فقط در زمینه محافظت زیست‌محیطی این رودخانه‌ها قوانین، آئین‌نامه‌ها، پروتکل‌های بین‌المللی و ملی فراوانی وجود دارد. رودخانه‌های داخلی (ملی) رودخانه‌های مرزی، رودخانه‌هایی که آب آنها بین دو یا چند کشور مشترک است. حقبه‌های بین رودخانه‌ها، آب مازاد بر حقبه و غیره و غیره همه بستر قانونی دارد. شناخت این قوانین با رغبت تحصیل جغرافیا را تبدیل به کارشناس رسمی دادگستری و یا کارشناس حقوقی می‌کند که هم‌اکنون مؤسسه و ارگان در کشور، انتظار استخدام این افراد را دارند.

۳. دریا: در خراسان بزرگ به رودهای بزرگ دریا می‌گویند. مثل آمودریا، سیردریا (دریا) (باید معادل کلمه شط باشد). مشهدی‌ها به رودخانه کشف‌رود هم دریا می‌گویند. هنوز هم در مشهد این کلمه رایج است. البته عملاً کشف‌رود در مقیاس آمودریا و سیردریا خشکه رودی بیش نیست (کشف‌رود در اکثر ماه‌های سال خشک است). قوانین فقهی درباره نحوه استفاده از آب و سایر منابع و حریم «دریاها» به خصوص سیردریا و آمودریا با رودخانه‌ها تفاوت‌هایی دارد.

۴. مسیل: ظاهراً به دو قسمت تقسیم می‌شود: ۱. آبراهه‌ای است که به طور دائم آب در آن جریان ندارد و هر چند وقت یکبار سیل در آن جاری می‌شود.

۲. بخشی از بستر یا دو طرف بستر یک رودخانه است که معمولاً خشک است ولی در هنگام طغیان رودخانه زیر آب می‌رود. میسل بار حقوقی، قانونی، عرفی و فقهی گسترده‌ای دارد که بخشی از آنها در قوانین کشور تعریف شده و آئین‌نامه‌های آن در وزارت نیرو، وزارت کشور (ستاد حوادث غیرمترقبه) بهرداری‌ها، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت راه و غیره تعریف شده است. حریم بسیاری از میسل‌ها به طور علمی و بر مبنای مطالعات هیدرولوژیکی و اقتصادی-اجتماعی مشخص نشده است. یکی از کارهای عمده جغرافیایی از نظر علمی تعیین حریم میسل‌هاست. در این بخش علم جغرافیا هیدرولوژی با قانون تلفیق می‌شود. علم نمی‌تواند بدون قانون پیش برود و قانون هم بدون علم نمی‌تواند تدوین شود. جالب است که قوانین فقهی درباره میسل‌ها کامل‌تر از قوانین مدنی است.

۵. کال: کلمه‌ای است که بیشتر در خراسان بکار می‌رود و در لغت به معنی نارس است. البته کلمه کال بیشتر برای میوه نارس بکار می‌رود. کال در خراسان یعنی رودخانه نارس. عملاً میسل‌هایی گفته می‌شود که نارس هستند. یعنی آبراهه‌ای که خیلی دیر به دیر در آن آب جاری می‌شود. از نظر عرف، رودخانه جایی است که همیشه آب دارد. مثل رودخانه طرقله، گلستان. معمولاً مردم مشهد و به خصوص روستاییان رودخانه طرقله گلستان را تا سد گلستان رودخانه می‌دانند. بعد از سد گلستان که رودخانه آب دائمی ندارد، به خصوص بعد از پل

و کیل‌آباد، از طرف خبرگان محلی بیشتر به این آبراهه، مسیل اتلاق می‌شود تا کلمه رودخانه. یعنی یک آبراهه تا محلی که آب دائمی دارد مردم آن را رودخانه می‌نامند و از محلی که آب دائمی قطع می‌شود آن را مسیل می‌نامند. بار حقوقی و قانونی رودخانه با مسیل برای مردم محل هم متفاوت و روشن است. مردم محلی وقتی به آبراهه‌ای مسیل اتلاق می‌کنند انتظار دارند که حداقل هر ۵ سال یکبار در آن سیل جاری شود. اما کال آبراهه‌های طبیعی است که احتمال جاری شدن سیل در آن در هر ۴۰-۳۰ سال یکبار وجود دارد. به همین جهت از نظر مردم این آبراهه‌ها نارس بوده‌اند و از نظر عرفی و فقهی حریم و بستر آنها با مسیل رودخانه متفاوت بوده است. می‌بینیم که در سنت و عرف، نه تنها کال با مسیل متفاوت است بلکه از نظر قوانین عرفی (به خصوص مسأله اندازه حریم) نیز با هم متفاوتند. کال، کال است و مسیل، مسیل. امروزه هم شهرداری و دیگر ارگان‌ها باید تعاریف قانونی متفاوتی برای کال‌ها و مسیل‌ها داشته باشند و بر مبنای این تعاریف که باید اول جنبه علمی و هیدورولوژیکی آن مشخص شود، و بعد جنبه‌های فقهی و عرفی آنها معلوم گردد، حریم این کال‌ها را معلوم کنند و آنها را سامان‌دهی کنند. متأسفانه در سالهای اخیر به حریم کال‌ها (به خصوص در مشهد) تجاوز شده است. بدون توجه به مسائل هیدورولوژیکی آنها و بدون توجه به بررسی احتمال جاری شدن سیل در آنها، برخی از کال‌ها سامان‌دهی شده‌اند.

در هر صورت از نظر عرف، مسیل آبراهه‌ای است که حداقل ۵ سال یکبار در آن سیل جاری می‌شود و کال مسیل ناری است که احتمال جاری شدن سیل در آن بیش از ۵ سال یکبار و حتی گاه صد سال یکبار است. ولی کال‌ها باید دارای حریم باشند و در عرف مردم دارای حریم بوده‌اند.

ع آب‌بکند: کوچکتر از کال آب‌بکند است. ولی در معنایی عرفی آب‌بکند دوره زمانی حرکت آب نهفته نیست. در آب‌بکند ممکن است حتی به طور فصلی یعنی کمتر از یک سال هم آب جاری شود. در معنای عرفی و عامیانه آب‌بکند، یک پدیده منق‌ی تلقی می‌شود. پدیده‌ای که بر اثر بی‌مبالاتی ایجاد شده است.

۷. کلماتی مثل کانال- شاه‌جوب، جوب، جویچه، که هر کدام بار حقوقی- قانونی و عرفی- فقهی متفاوتی دارند. معمولاً به مسیرهای آبی گفته می‌شود که دست ساز بشر است.

در هر صورت توجه به مسائل حقوقی و قانونی معانی جغرافیایی، نه تنها جزو نیازهای مملکت است بلکه چشم‌انداز گسترده‌ای را برای اشتغال فارغ‌التحصیلان جغرافیای حقوقی و قانونی می‌گشاید.

فصلنامه تحقیقات جغرافیایی منتظر مقالات علمی- پژوهشی مستند به قانون، عرف و فقه در زمینه اصطلاحات علمی جغرافیاست.